

سازمانی که برای سرگرم شدن اشرف تاسیس شد؟!

۱۱ خرداد ۱۳۹۶ ساعت ۱۷:۰۴

تشکیل سازمان بر مبنای برخی مصلحت‌های سیاسی از جمله ترس شاه از خواهر دوقلویش اشرف و نیز سرگرم ساختن او به امور سازمان جهت کاهش دخالت‌های او در امور داخلی و خارجی کشور بود.

کافه تاریخ- مقالات

موضوع فعالیت و مشارکت زنان در تاریخ معاصر ایران و چگونگی تحقق آن یکی از موضوعات مهم افراد و گروه‌های خاص اجتماعی و سیاسی بوده و باعث شکلگیری ایده تشکیل سازمانی جهت انجام فعالیتهای زنان و رسیدگی به خواسته‌های آنان گردید. این موضوع گرچه بعد از دوران مشروطه و در قالب انجمن یا شورای زنان تا حدودی به اجرا درآمد، اما اقدام اصلی در دوران محمدرضا شاه، تحت عنوان "سازمان زنان ایران" به ریاست اشرف پهلوی نمود و تجلی یافت. این سازمان در دوران حیات خود به اقدامات سیاسی و اجتماعی متنوعی پرداخت که بسیاری از آن اقدامات مورد اعتراض بخش‌های مختلف جامعه از جمله گروه‌های سنتی و مذهبی جامعه قرار داشت. این اعتراضات در وهله اول ناشی از فعالیتهای متناقض و نیز ضدمذهبی سازمان بود که در نهایت باعث کارکرد نامناسب آن گردید. بدین منظور و در جهت بررسی این موضوع به ماهیت این سازمان و عملکرد آن پرداخته میشود.

سازمان زنان از ایده تا شکلگیری

فعالیتهای سیاسی و اجتماعی زنان در ایران به طور رسمی و البته محدود بعد از انقلاب مشروطه آغاز و فراهم گردید. این فعالیتهای که گاه با تلاشهایی جهت تشکیل حزب زنان نیز همراه بود، در قالب انجمنهای سری و یا انتشار نشریات زنان ادامه داشت که البته به دلیل عدم اطلاعات کافی در این رابطه، ماهیت و عملکرد حقیقی آن مشخص و آشکار نیست. این فعالیتهای در دوره رضاشاه نیز ادامه داشت با این تفاوت که در این برهه، فعالیتهای در قالب انجمن و یا گروههای رادیکال همچون جمعیت نسوان وطنخواه، شکل جدی تری یافت. با این حال بسیاری از نهادهای وابسته به زنان تا اواسط حکومت رضاشاه به دلایل نامعلومی متوقف و یا تعطیل شد. بعد از سقوط حکومت پهلوی اول، فضای مناسبی جهت فعالیتهای سازمانی و غیرسازمانی زنان شکل گرفت که بیشتر آنان ماهیتی مستقل و سکولار داشتند. اما در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی این فعالیتهای با تشکیل شورای عالی جمعیت زنان ایران و بعد از آن سازمان زنان ایران به ریاست اشرف پهلوی وارد مرحله جدیدی گردید.

سازمان زنان ایران

سازمان زنان ایران یکی از سازمانهای مهم در زمینه امور خاص مربوط به زنان بود که به ریاست اشرف پهلوی تأسیس شد. پیش از شکلگیری سازمان مذکور، شورایی تحت عنوان شورای عالی جمعیت زنان نیز به ریاست اشرف به فعالیت در این حوزه میپرداخته اما اعضای سازمان در سال ۱۳۴۴ دچار اختلاف شده و همین اختلاف باعث انحلال شورا و ادغام اعضای آن در تشکل جدیدی تحت عنوان سازمان زنان ایران در سال ۱۳۴۵ گردید. ریاست عالییه سازمان زنان ایران، با اشرف پهلوی بود که دارای اختیارات کامل از جمله تعیین نایب ریاست عالییه، دبیر کل سازمان و تعیین برخی از اعضای شورای مرکزی بود. بعد از ریاست عالییه، نایب ریاست عالییه قرار داشت که فریده قطبی مادر فرح پهلوی عهدهدار آن بود. سازمان در وهله اول در راستای تحقق اهداف مورد نظر محمدرضا شاه شکل گرفت. هرچند گفته میشود رسالت واقعی سازمان، پرداختن به امور اجتماعی سازمان است؛ اما در واقع رویکرد واقعی آن سیاسی بود. همین موضوع مخالفت بسیاری از قشرهای مذهبی را به دنبال داشت. برخی از این رویکردها عبارت است از:

عملکرد سیاسی و ضد مذهبی

همانطور که اشاره شد یکی از اهداف مهم تشکیل سازمان، عینیت بخشیدن به اهداف شاه از جمله انقلاب سفید بود. انقلاب سفید مجموعه‌ای از اصلاحات خاص و مورد نظر شاه در امور مختلف سیاسی و اجتماعی بود که مسائل زنان نیز بخشی از آن را شکل میداد. بر این اساس، اصل ۵ انقلاب سفید بر اصلاح قانون انتخابات ایران به منظور دادن حق رأی به زنان و حقوق برابر سیاسی با مردان تأکید داشت. بنابراین سازمان ابتدا با شعار کسب حق رأی برای زنان کار خود را آغاز کرد و سپس با تشکیل اولین مجمع عمومی خود در سال ۱۳۴۵ رسماً موجودیت یافت. از این رو میتوان گفت رسالت اصلی و اولیه این سازمان، تحقق خواسته‌های محمدرضا شاه بود. به عبارتی شاه ایران، وجود چنین سازمانی را دروازه ورود به تمدن غرب میدانست. همچنین تشکیل سازمان بر مبنای برخی مصلحتهای سیاسی از جمله ترس شاه از خواهر دوقلویش اشرف و نیز سرگرم ساختن او به امور سازمان جهت کاهش دخالتهای او در امور داخلی و خارجی کشور بود. علم در این رابطه به نقل از شاه میگوید: «اگر [اشرف] یک سر سوزن قابلیت مدیریت داشت با کمال میل پیشنهادش را بررسی می‌کردم، ولی چون خواهر من است خیال می‌کند می‌تواند از بالای سر وزارت خارجه کارهایش را انجام دهد. جاه طلبیهای او حقیقتاً نامعقول است...»^۱

اشرف «با آنکه بیشتر وقت خود را در خارج از کشور به سر میبرد ولی در بسیاری از تصمیمات مهم سیاسی کشور حضور داشت.»^۲ از این رو تشکیل سازمان و سپردن ریاست عالییه به اشرف میتوانست تا حدودی مانع از دخالت او در امور داخلی کشور شود. با این حال سازمان زنان، بعد از موجودیت دست به اقدامات و فعالیتهای گستردهای در امور مربوط به زنان زد. این اقدامات طیف وسیعی از فعالیتهای از جمله ساخت مدارس دخترانه، آموزش، فراهم کردن امکانات بهداشتی و آموزشی برای زنان طبقات پایین و... میشد؛ اما موضع‌گیریهای سازمان جهت تامین حقوق زنان ایرانی و تاکید آن جهت تصویب برخی قوانین که ماهیتاً با امور مذهبی تضاد داشت،^۳ مانع از تحقق رسالت واقعی و راستین این نهاد گردید. از جمله این قوانین میتوان به قانون سقط جنین در سال ۱۳۵۴ و

یا تأکید بر برابری کامل سیاسی و حقوقی زنان با مردان اشاره نمود که گاه با تأثیرپذیری از آموزه‌های غربی، رنگ و بوی فمینیستی می‌گرفت. از طرفی گرچه سازمان در طول فعالیت خود به اقدامات و خدمات رفاهی خاص در سطوح مختلف اجتماعی و از جمله توجه به مطالبات زنان در طبقات پایین شهری و یا روستایی پرداخت، اما بسیاری از این طرحها به دلیل عدم آشنایی زنان روستایی با این امور، با استقبال و یا همراهی چندانی مواجه نشد و تنها تحمیل هزینه‌های گزاف را به دنبال داشت. بسیاری معتقدند این طرحها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و نیز ناآشنا بودن آن، گاه باعث تقابل فرهنگی میان زنان روستایی و شهری میشد.

بنابراین میتوان گفت حتی با وجود برخی اقدامات اجرایی از جمله «تأسیس خانه‌های زن در شهرستان‌های مختلف، بسیاری از مردم با نام سازمان آشنایی نداشتند و اغلب آنان در مناطق مختلف، تعطیل و با وجود تشکیل کمیته‌های تحقیق، عدم کارآیی در واحد شعب، همچنان حاکم بود.»^۴ همچنین سازمان با گذشت زمان از اهداف اصلی و اجرایی خود فاصله گرفت. «هرچه از زمان تأسیس سازمان می‌گذشت، اصول دیوانسالاری در آن قوت می‌گرفت و به ارکان اداری، اجرایی وسعت داده می‌شد. اما تأثیرات اجرایی کمتری به چشم می‌خورد»^۵ پیوند و ارتباطات خاص با حزب رستاخیز نیز بر رویکرد سیاسی این نهاد تأثیر گذاشت و کارایی آن را به پایینترین حد خود رساند. در نهایت سازمان زنان ایران به دلیل رویکرد و مواضع ضد دینی خود بعد از پیروزی انقلاب، منحل گردید.

فهرست منابع

۱. اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ج اول، طرح نو، چاپ ششم، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴.
۲. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹.
۳. جلال فرهمند، دیپلماسی (اسنادی از حضور اشرف پهلوی در سازمان ملل متحد)، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۱۰.
۴. حمیرا رنجبر عمرانی، سازمان زنان ایران: ابزار فرهنگی - اجتماعی حکومت شاه و نقش اشرف پهلوی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ر، ک: گزارش عملکرد سازمان زنان ایران، سال ۱۳۵۵-۱۳۵۶ انتشارات سازمان زنان ایران.
۵. گزارش عملکرد سازمان زنان ایران، همان.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/35899/سازمانی-سرگرم-شدن-اشرف-تاسیس>